



خیلواکی

استقلال

چهارشنبه ۳۰ دسامبر ۲۰۲۰

حمید انوری

نگاهی بر

"هجوم نظامی شوروی بر افغانستان یا ایجاد جبهه جدید ضد امپریالیستی"

داکتر "یار محمد تره کی" تحلیل جالبی تحت عنوان بالا، به رنگ آبی، به تاریخ ۲۰۲۰/۱۲/۲۷ نوشته اند که در افغان - جرمن آنلاین به نشر رسیده است. راست بگویم، من درست نمی دانستم که این هموطن، کی است، یعنی اینکه معلومات دقیق و کافی در مورد ایشان نداشتم...

قسمت دوم

در قسمت قبلی جناب رفیق یارمحمد تره کی، تذکر داده بودند که: "غربی ها... آرام آرام مانند کرم پیله به جاه های نرم و آسیب پذیر شوروی خزیدند...".

من اما به چرت و فکر اندر شدم که "جاه های نرم و آسیب پذیر شوروی" را چگونه می شود تشخیص داد، رفیق یارمحمد تره کی در زمینه چه تخصصی دارند و...، اما بعداً به این نتیجه رسیدم که آن جناب تخصصی در زمینه ندارند، مگر اینکه منظور شان از "جاه های نرم"، همانا شاید نقاط ضعف بوده باشد.

و این کاملاً بجا و منطقی می نماید که ابرقدرت وقت رو سیه، نقاط ضعف فراوان داشت، همانگونه که امریکا نقاط ضعف داشت و دارد هنوز.

امریکا و متحدین، از نقاط ضعف رو سیه شوروی استفاده می کردند، مانند تجاوز نظامی به افغانستان، جنگ های آزادیبخش چینیا، اوکراین، و نیز جمهوریت های جدا شده از پیکر رو سیه ...، و همچنان نقاط ضعف امریکا، یعنی، جمهوری اسلامی ایران، امریکای لاتین، پاکستان، هند و...، و این هردو ابرقدرت بودند که یکی به دیگری در موارد و اوقات مختلف، کریدت می دادند و می گرفتند و امریکا هم همینگونه بزرگترین ضربه را به روسها وارد کرد و...، اما اینها همه هرگز

و به هیچ صورت، تجاوز نظامی روس به افغانستان را توجیه کرده نمی تواند و فقط تجاوزگری روسها و نوکرمنشی خلقی ها و پرچمی ها را ثبوت می کند و اینکه اعضای "ح.د.خ"، از سره تا خشره و از زن تا مرد (بخوان نامرد) و از جوان تا پیر، همه بلاستثنی؛ جاسوس و خائن به ملت، مملکت و مردم بودند و هستند و خواهند بود و نورمحمد تره کی (مشهور به خره کی)، ببرک دربارمل، نجیب گاو، اناهیتا زنازاد و...؛ سردمداران و سرباند های شان بودند که لعنت و نفرین به همه شان باد!

" تغییر نظام در افغانستان مانند آب سردی بود که بالای جسم خواب آلود شوروی ریخته شده بود. با بیدار شدن از خواب آنها متوجه شدند که تغییر بزرگی زیر بغل شان اتفاق افتاده است. در آغازین شیوه برخورد را چندین بار تغییر دادند. گاهی انتقاد کردند، گاهی به رسمیت شناختند، و گاهی هم تقاضای های تکرار این و یا آن کس را نمودند. "

رفیق یارمحمد تره کی! افسانه سرائی و جفنگ گوئی هم حد و حدودی دارد، اما تحلیل جناب شما از آن حدود گذشته و سر به هزیان گوئی کشیده است.

مردم افغانستان و بخصوص باشندگان کابل به خوبی بخاطر دارند که کودتای منحوس ثور، در مراحل نخست خود، کاملاً شکست خورده بود که ناگاه طیارات جت جنگی روسی با پیلوتان روسی در آسمان کابل ظاهر شدند و قصر ریاست جمهوری را به شدت بمباردمان کردند. مکالمات پیلوتان روسی با همدیگر و با مرکز قوماندۀ شان، به لسان روسی در جریان بود که از آن همه نظامیان زمان داوود خان در نیروی هوایی، واقف بودند و بعد ها حکایه میکردند و مردم هنوز آنرا بخاطر دارند.

از طرف دیگر چند روزی سپری نشده بود که سردمداران کرملین، رژیم کودتا را به رسمیت شناختند. و دیگر هم اینکه روسها از رژیم کودتا تقاضای تفریری این و آن را نمی کردند، بلکه این سفیر و مشاوران روسی در افغانستان بودند که دستور می دادند و حتی رئیس جمهور مقرر می کردند.

هیئات! تجاوزگران روسی چه خواب خوشی داشتند که افغانستان را در حالت خواب و خواب بردگی به خاکدان سیه نشانند، اگر از آن خواب گران بیدار می شدند، افغانستان از نقشۀ جهان محو می شد!!!

" خلقی ها نیز که از حرکت موفقانه خویش غره و به خود میبایند به اصطلاح ناز و قهر برادر بزرگ را تحویل نگرفتند و به کار خویش ادامه دادند. شوروی ها ناگزیر با واقعیت جدید مدارا نمودند

و راه افتادند. در چندین ملاقات و مرودات بین شوروی ها و غربی ها میتوان کنایه ها و بیطرفی ها را مشاهده کرد. گویی شوروی ها از انقلاب افغانستان نزد غربی ها معذرت میخواهند و غرب را به مدارا و عدم عکس العمل میطلبند."

آیا رفیق تره کی گفته می تواند که آن به اصطلاح "ملاقات ها و مرادوات" مورد نظر شان در کدام کشور ها، به کدام تاریخ های مشخص و بین کدام مقامات، انجام شده است؟
کدام عقل ناقص می تواند بپذیرد که از "انقلاب؟؟؟" یک کشور، کشور دیگری از جامعه جهانی، معذرت بخواهد؟

مگر اینکه روس ها از تجاوز عریان شان به افغانستان، از کشور های غربی معذرت خواسته باشند، که ما را عجب آید! همچو سندی وجود خارجی ندارد، باری یکی از یاران یارمحمد تره کی، در نوشته ای ابراز داشته بود که "کادر" حزب دیموکراتیک خلق به گونه تحریری از مردم افغانستان معذرت خواسته اند؛ اما هیچگاه نتوانست چنین سندی را ارائه کند، زیرا همچو سندی وجود خارجی ندارد.

"البته حوادث در بین حزب خلق نیز سیر دگرگونی را به خود گرفت. با حس غرور و تکبر بعضی ها و حس حقارت و استحقاق طلبی دیگران نظام از یک جانب به اجرای تغییرات انقلابی ایکه وعده داده بود پرداخت و..."

با در نظر داشت سطور بالا، با جرئت می توان گفت که بلی! تکبر و غرور کاذب آنگاهی به اوج خود رسید که سردمداران "ح.د.خ"، تجاوز نظامی رو سیه را به افغانستان، "مرحله نوین انقلاب شکوهمند شور" عنوان کردند و از عساکر تجاوزگر روسی با آغوش باز استقبال کردند. همین کاکای شما، جناب یارمحمد خان تره کی، با گردن خمیده، چندین بار از روسها خواهش و درخواست کرد تا عساکر خود را تحت پوشش یونیفورم نظامی اردوی افغانستان، به کشور ما گسیل دارند. پستی و پلستی و حقارت و نوکرمندی، از این بیشتر نمی شود. حق او بود که بالشت به دهن کثیف اش گذاشته می شد، تا بیشتر از آن بوی گند از آن بیرون نشود.

تغییرات "انقلابی" را که جناب شما مدعی هستید، به جز از ایجاد گور های دسته جمعی، زنده به گور کردنها، اعدام های دسته جمعی، ایجاد شعبات متعدد تحقیق، زندانها و شکنجه گاه ها در سرتاسر افغانستان و... چیزی دیگری نبود.

"...شوروی ها که با تغییر رژیم در کابل از خواب سی ساله و اند بیدار شده بودند همه روزه در تلاش سکون و آرامش غربی ها بودند..."

خدمت رفیق یارمحمد تره کی باید عرض کرد که شوروی ها نتنها در کدام خواب سی ساله فرو نرفته بودند، بلکه با قاطعیت تمام در سرتاسر کره ارض، به شمول اروپا و امریکا و افریقا و امریکای لاتین و چین و جاپان و ایران و افغانستان و پاکستان و هند و... مشغول جاسوسی، تخریب، توطئه چینی و ایجاد شورش و هرج و مرج بودند و دمی هم نیاسودند و هنوز هم با همان شدت و حدت، مشغول فعالیت های تخریبی و ناروای خویش اند، این جناب شما هستید که فکر میکنید آنان در خواب سی ساله فرو رفته بودند، کمی به تاریخ مراجعه کنید، معلومات تاریخی شما در حد صفر است. کاش در مورد اینکه ادعا نموده اید، روس ها "همه روزه در تلاش سکون و آرامش غربی ها بودند"، چند مثال ارائه می کردید. بروید کمی تاریخ مطالعه کنید.

"...شوروی ها که در آغاز انقلاب افغانستان را به حیث یک خواب وحشتناک قبول نموده بودند بزودی این خواب را در بیداری دیدند."

کودتای ننگین و خونین هفتم ثور ۱۳۵۷ را، "انقلاب" نامیدن، خود میرساند که رفیق یارمحمد تره کی، هنوز الفبای سیاست را هم نمی دانند و می خواهند، پا در جای پای "نورمحمد تره کی" کودن بگذارند و کودتا را انقلاب جا بزنند.

کودتای نامیمون ثور از سوی روسها طرح ریزی شده بود و روسها به همین منظور، پول های وافر را در سال های متمادی به جیب، ببرک و تره کی و امین و چند رسوای دیگر ریختند و همین ها بودند که بصورت مسلسل، اوضاع و احوال سیاسی- نظامی کشور را به صورت منظم، از طریق سفارت رو سیه، در کابل، به کریملین و کی جی بی گزارش می دادند. رفیق تره کی، "خواب وحشتناک" و رویا را اشتباهی گرفته است. روسها به رویا های دیرینه شان رسیده بودند و از همان آوان وقوع کودتای منحوس ثور، ترتیبات تجاوز نظامی را گرفته بودند.

"...اگر فعالیت های جاسوسی شوروی ها در لبنان، اسرائیل، بلغراد، کاراکاس و یا ماناگواه مورد انتقاد شدید امریکایی ها قرار میگرفت، آنها بطور شگفت انگیزی بالای فعالیت های جاسوسی شوروی در پاکستان، هند و افغانستان چشم پوشی مینمودند."

رفیق یارمحمد تره کی در این قسمت، اظهارات قبلی خود را تردید میکند، مبنی بر اینکه روسها به خواب سی ساله فرو رفته بودند. او ضد و نقیض می نویسد. چگونه می شود که مقامات رو سیه شوروی به خواب عمیق "سی ساله" فرو رفته باشند و در عین زمان، فعالیت های جاسوسی خود را در کشور های لبنان، اسرائیل، بلغراد، کاراکاس و... به شدت ادامه دهند؟!!

از جانب دیگر این گفته جناب یارمحمد تره کی را تائید میکنم که امریکائی ها تلاش داشتند پای روسها را در افغانستان باز کنند تا روسها به افغانستان تجاوز کنند و امریکائی ها به آنها ضربه زنند و انتقام ویتنام را از آنها بگیرند، پس چگونه می شود توقع داشت تا اعمال روس ها در آن کشور ها " مورد انتقاد شدید امریکایی ها قرار میگرفت"؟! و...، شما خود می نویسید " این دام هموار شده بود".

ادامه دارد